

## الگوی برنامه درسی تلفیقی و جایگاه آن در برنامه درسی ابتدایی ایران

نویسنده: دکتر پروین احمدی\*

\* استادیار دانشگاه الزهرا (س)

### چکیده

برنامه درسی تلفیقی (Integrated Curriculum) هم‌زمان با شکل‌گیری حوزه برنامه درسی در اوایل قرن بیستم مورد توجه صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفت و در سال‌های اخیر نیز در اکثر کشورهای پیشرفته جهان توجه ویژه‌ای به این امر شده است. گسترش سریع دانش و اطلاعات، گسیختگی و پراکندگی بخش‌های گوناگون برنامه‌های درسی سنتی، عدم ارتباط آن با واقعیت‌های زندگی شخصی و اجتماعی یادگیرندگان و عواقب ناگوار برنامه‌های درسی موجود، موجب توجه هرچه بیشتر به مقوله تلفیق برنامه‌های درسی شده است. از طرفی، تجربه‌های موفقیت‌آمیز اجرای برنامه درسی تلفیقی، این نظریه را مورد تأیید قرار داده است که این رویکرد، دانش‌آموزان را برای یادگیری بهتر و مداوم بر می‌انگیزد و قابلیت‌های لازم برای زندگی در قرن بیست و یکم را در آنان پرورش می‌دهد.

در این مقاله، الگوی برنامه درسی تلفیقی که حاصل مطالعات و تحقیقات نگارنده می‌باشد، ارائه شده است. ابتدا، در نتیجه بررسی منابع و ادبیات موجود در زمینه تلفیق برنامه درسی، محورهای اساسی مباحث استخراج شده و براساس آن، اصول راهنمای الگوی مورد نظر تدوین گردیده است. سپس، ارکان الگو که مبین اجزای عمده و بخش‌های مختلف برنامه درسی تلفیقی است ارائه شده است. مراحل اجرای الگو گام‌هایی است که طی آن بخش‌های مختلف برنامه درسی در یک بستر واقعی به‌صورت تدریجی و فراگیر به مرحله اجرا در می‌آید. در آخر، به‌منظور به‌کارگیری رویکرد تلفیقی در نظام آموزشی کشور، به‌طور نمونه جایگاه الگوی مورد نظر در برنامه درسی دوره ابتدایی بررسی شده و راهنمای برنامه‌های درسی دوره ابتدایی با الگوی مورد نظر، مقایسه شده است.

### واژه‌های کلیدی: الگو، برنامه درسی تلفیقی، دوره ابتدایی

### مقدمه

جهان پیچیده و متغیر امروز، نیاز به آموزش و پرورش پویا و متحول را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. آموزش و پرورش که نیازها و انتظارات افراد و جامعه را به صورتی جامع و همه‌جانبه برآورده سازد و برنامه‌های آن از چنان کیفیتی برخوردار باشد که مقاصد تربیتی را به‌صورت بهتر و مؤثرتر

تأمین نماید و قدرت سازگاری و سازندگی را در فراگیران ایجاد کند. کودکان و نوجوانان امروز، شهروندان فعال فردای جامعه‌اند و زندگی فردا، ابعاد و ویژگی‌های دیگری خواهد داشت. بدین سبب، برنامه‌های درسی مدارس باید مطالب و محتوایی داشته‌باشد که نیاز عمومی نسل امروز را برآورده سازد و آنان را برای ساختن فردای بهتر تربیت نماید.

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دهم - دوره جدید

شماره ۳

اسفند ۱۳۸۲

همچون درون رشته‌ای (Interdisciplinary)، چند رشته‌ای (Multidisciplinary)، میان رشته‌ای (Interdisciplinary) و سایر رویکردها مطرح است که هر کدام دارای ظرفیت‌ها و نقاط قوت و ضعف خاص خود است. محدود ساختن برنامه درسی به یک رویکرد خاص، آن را از مزایا و محاسن سایر رویکردها محروم می‌سازد. به همین دلیل، ارایه پیوستار رویکردهای تلفیق توسط صاحب نظران حوزه برنامه درسی، از جمله جی کوبز (Jacobs, H.H.)، فوگارتی (Fogarty, R.) و سایرین، برنامه درسی را از انعطاف در گزینش رویکردهای مختلف بهره‌مند می‌سازد و کارایی برنامه را در موقعیت‌های متعدد، بهبود می‌بخشد [۸ و ۹]. به عقیده گلاثورن (Glathorn, A.A.)، بهترین نوع تلفیق برنامه وجود ندارد، و انواع مختلف برنامه‌های درسی، الگوهای گوناگونی از موفقیت و تحقق هدف را ارایه می‌کنند [۱۰].

**– اصل دوم: الگوی تلفیق باید دامنه تلفیق در قالب یک ماده درسی تا تلفیق چندین ماده درسی را به رسمیت بشناسد.** بر مبنای این اصل، در تلفیق برنامه درسی باید، هم به تلفیق در یک ماده درسی (تلفیق درون رشته‌ای) و هم به تلفیق میان مواد درسی مختلف توجه نمود. در تلفیق درون رشته‌ای، توجه به ساختار رشته و سلسله مراتب مفهومی و ارتباط و هماهنگی محتوای درون یک حوزه معرفتی است، بدون این‌که تلاشی برای ارتباط برقرار کردن با رشته‌ها و مواد درسی دیگر باشد. به سخن دیگر، در این نوع تلفیق، انسجام محتوا و مطالب (اصول، نظریات، مفاهیم تازه و قوانین یک رشته علمی) در چارچوب یک ماده درسی مورد تأکید است. همچنین، در تلفیق برنامه درسی باید تأکید بر هماهنگی و ارتباط میان محتوا و مطالب موجود در مواد درسی مختلف باشد. یعنی، تلفیق نظریه‌ها، مفاهیم و اصول و قوانین از رشته‌های مختلف. این امر، به شکل‌های گوناگون تحقق می‌پذیرد. به‌طور مثال، در رویکرد رشته‌های موازی، یک موضوع مشترک در درس ادبیات و درس تاریخ به‌طور هماهنگ و هم‌زمان تدریس می‌شود. به‌عنوان نمونه، تاریخ انقلاب اسلامی و ادبیات انقلاب اسلامی به‌طور هم‌زمان

برنامه‌های درسی متداول و سنتی، مفاهیم و موضوعاتی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند که مجزا از هم و تصنعی هستند و موجب احساس بی‌ربطی، بیهودگی و سردرگمی آنان می‌شود.

امروزه هنوز، بسیاری از دانش‌آموزان از کلاس علوم به کلاس تاریخ و از آن‌جا به کلاس ریاضی می‌روند و به شیوه‌ای منقطع و بی‌ارتباط آموزش داده می‌شوند، به‌طوری که کم‌تر شباهتی با زندگی واقعی آنان دارد [۱]. تلفیق برنامه‌های درسی به معنای ارتباط دادن و درهم آمیختن محتوای برنامه درسی به‌منظور انسجام تجربیات یادگیری دانش‌آموزان است. بحث و جدل‌های فراوانی در طول تاریخ برنامه درسی در زمینه ارتباط رشته‌ها و مواد درسی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر از سوی صاحب نظران این حوزه مطرح شده است و نظریه‌ها و الگوهای گوناگونی ارایه گردیده که از تنوع خاصی برخوردار است. الگوی حاضر، حاصل مطالعه و بررسی ادبیات و پیشینه مذکور است و در صدد ارایه تصویری جامع از محورهای مورد بحث در تلفیق برنامه درسی است [۲ و ۳].

### الگوی برنامه درسی تلفیقی

الگوی [۴] برنامه درسی تلفیقی [۵] مشتمل بر اصول [۶]، ارکان [۷] و مراحل اجراست که حاصل بررسی منابع موجود و پیشینه ادبی و تجربی در زمینه تلفیق برنامه درسی است. به‌منظور طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی، منابع علمی مربوط به تلفیق برنامه‌های درسی مورد بررسی قرار گرفت و محورهای اساسی مباحث موجود در این زمینه استخراج گردید. سپس، منطبق بر محورهای مورد بحث، اصول الگوی پیشنهادی تدوین شد که مشتمل بر هفت اصل به شرح زیر است:

**– اصل اول: الگوی تلفیق برنامه درسی نباید با مقوله تلفیق به‌گونه‌ای جزمی و تعصب آمیز برخورد نماید.** با توجه به مسایل انسانی و ماهیت چند بعدی آن، دیدگاه جزم و ایدئولوژیک نسبت به امور و جهت‌گیری انعطاف‌ناپذیر مانع پیشرفت و عملکرد منطقی است. در سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی، رویکردهای گوناگونی

**– اصل چهارم: الگوی تلفیق باید معطوف به مرحله سازمان‌دهی محتوا (به دنبال انتخاب محتوا) باشد، در عین حال که نسبت به این مقوله پیش از انتخاب محتوا نیز باید حساسیت نشان دهد.** تلفیق از بیرون که توسط برنامه ریزان طراحی می‌شود به دو صورت می‌تواند اجرا گردد. یکی در مرحله سازمان‌دهی محتوا و دیگری پیش از انتخاب محتوا.

این اصل بیانگر این مطلب است که در گزینش رویکرد تلفیق در برنامه درسی، باید واقع بینانه و منطقی عمل کرد. در الگوی تلفیق برنامه درسی، معمولاً، محتوای انتخاب شده مفروض است و تلفیق به دنبال آن، در مرحله سازمان‌دهی محتوا پس از انتخاب محتوای کلی است و از طرف دیگر، مسبق به انتخاب محتوای تفصیلی است. این سطح تلفیق دلالت بر یک سطح میانی از تغییر و تحول در ساختار برنامه درسی دارد و با وجود این‌که جدی و اساسی است، واقع‌گرا نیز است.

**– اصل پنجم: الگوی تلفیق برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که بتوان حتی‌الامکان از امتیازات رویکردها و اشکال مختلف تلفیق برنامه درسی استفاده کرد.** تنوع رویکردهای سازمان‌دهی محتوا و تلفیق برنامه درسی بسیار گسترده و دارای دامنه وسیعی است که بر روی یک پیوستار قابل رسم است. هر یک از اشکال و رویکردهای مختلف دارای قابلیت‌هایی است که کاربرد آن را در موقعیت‌های مختلف موجه می‌سازد. گرایش به کثرت‌گرایی در برنامه‌ریزی درسی تلفیقی، برنامه درسی را از قابلیت‌های بالقوه‌ای برخوردار می‌سازد که منجر به کارایی و ثمر بخشی آن در رویارویی با مسایل واقعی زندگی خواهد شد. در عین حال، از برخورد تعصب‌آمیز با این پدیده نیز جلوگیری می‌کند. به عقیده گلاثورن، موقع تصمیم‌گیری در مورد تلفیق برنامه درسی، مطلوب است که همه مزایا و معایب را سطح به سطح، ماده به ماده و مدل به مدل سنجید و سپس، در مورد تلفیق تصمیم‌گیری نمود [۱۰].

جی‌کوبز، نیز با ارایه اشکال شش گانه سازمان‌دهی برنامه درسی که نشانگر مدارج مختلف تلفیق برنامه درسی

تدریس می‌شود. مثال دیگری از شکل تلفیق، برنامه درسی میان رشته‌ای است که در آن، یک موضوع محور سازمان‌دهی برنامه درسی قرار می‌گیرد و تا آن‌جا که ممکن است دیگر دروس به آموزش آن مبحث کمک می‌کنند. برای مثال، موضوع «تغییر» در مرکز قرار می‌گیرد و دروس مختلف زیست، ریاضی، تاریخ، شیمی، فیزیک، زمین‌شناسی، ادبیات و غیره به توضیح آن می‌پردازند.

**– اصل سوم: الگوی تلفیق باید معطوف به هر دو گونه کلی «تلفیق از درون» (Integration from Within) و «تلفیق از بیرون» (Integration from Without) باشد.** تلفیق باید در مرحله طراحی برنامه درسی هم توسط برنامه‌ریزان درسی صورت گیرد و هم این‌که دانش‌آموزان در امر تصمیم‌گیری و طراحی برنامه دخالت داشته باشند. تلفیق از بیرون به معنای طراحی برنامه درسی و سازمان‌دهی محتوا به شکل تلفیقی به وسیله برنامه‌ریزان درسی است. طبق پژوهش فیندلی، سازمان برنامه درسی و توجه به ارتباطات افقی و عمودی برنامه درسی (تلفیق از بیرون)، می‌تواند یادگیری تلفیقی را حمایت کند [۱۱]. دست‌اندرکاران تهیه برنامه‌های درسی متداول عمدتاً مریبان و بزرگسالان هستند که این امر منجر به تدوین برنامه‌های درسی پیش طراحی شده (Preplanned) خواهد شد. تلفیق از بیرون نیز، در این قسم می‌گنجد. در مقابل، تلفیق از درون توسط دانش‌آموز صورت می‌گیرد که فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی، براساس نیازها، علایق و دل‌مشغولی‌های یادگیرندگان و مسایل شخصی و اجتماعی آنان شکل می‌گیرد. به عقیده دیویس (Davis, Jr, O.L.)، تلفیق یک فرایند شخصی است و به وسیله ساختارهای سازمانی بیرونی تعیین پیدا نمی‌کند [۱۲]. بین (Bean, J.A.) نیز، چنین اعتقاد دارد که تلفیق واقعی، همان تلفیق از درون است که توسط پیشرفت‌گرایان مطرح شده است [۱۳]. بنابراین، در تلفیق برنامه درسی علاوه بر این‌که به تلفیق از بیرون توجه می‌شود، باید به تلفیق از درون نیز توجه کرد.

سطوح مختلف آموزش را فرامی‌خوانند [۱۶]. به گفته اریکسون (Erickson, H.L.)، حرکت به سمت یک برنامه درسی متعادل مبتنی بر محتوا و فرایند، در حقیقت، حرکت به سمت عمق بیش‌تر در تدریس و یادگیری و تأکید بر تفکر سطح بالا است [۱۷].

### ارکان الگوی مطلوب و جامع تلفیق برنامه درسی

چارچوب الگوی تلفیق برنامه درسی دارای سه رکن اصلی است که مبین محتوا، فعالیت‌ها و شکل تلفیق در هر قسمت است.

**– رکن اول: تلفیق از بیرون به شکل میان رشته‌ای:** در این شکل از برنامه درسی، یک موضوع، توسط برنامه‌ریزان درسی انتخاب می‌شود و از رشته‌ها و مواد درسی مختلف برای تبیین و تشریح موضوع مورد مطالعه استفاده می‌شود. بدین منظور، شناخت نسبت به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های رشته‌ها و مواد درسی مختلف برای بررسی موضوع، حائز اهمیت است و این کار از طریق تحلیل محتوا صورت می‌گیرد. در این رابطه، جی‌کوبز، اصطلاح نقشه‌برداری از برنامه درسی (Curriculum Mapping) را به کار می‌برد [۱۸].

در این نقشه مفهومی (Conceptual Map) با بررسی مواد درسی مختلف که در برنامه درسی مدرسه وجود دارد به شناسایی محتوایی که در درون دروس به‌طور موازی قرار دارد می‌پردازد. به عبارت دیگر، تبیین موازی (Parallel Articulation) مواد درسی، به‌منظور یافتن اشتراک‌ها و همپوشی‌های طبیعی که در میان مواد درسی مختلف وجود دارد است. در مواد درسی که به‌صورت مجزا طراحی و سازمان‌دهی می‌شوند موارد تکرار زیادی دیده می‌شود که در نتیجه بررسی و تحلیل محتوا می‌توان از تکرار موارد مشابه کاست و با حذف برخی محتواهای غیرضروری و تکراری، ضمن کاستن از حجم محتوای برنامه، برای موارد تلفیق نیز در جدول زمانی برنامه کلاس، جای باز کرد.

است، تأکید می‌کند که مدارس و نظام‌های آموزشی باید بتوانند به تناسب از رویکردهای مختلف بهره‌جسته و حتی به تلفیق و ترکیب اشکال مختلف نیز اقدام کنند [۸].

**– اصل ششم: در الگوی پیشنهادی تلفیق برنامه درسی، رویکرد حل مسأله (فعال)، بر رویکرد عرضه مستقیم اطلاعات در طراحی برنامه درسی برتری دارد.** همچنان‌که در طراحی برنامه‌های درسی متداول به‌گونه‌ای متفاوت عمل می‌شود و گاهی برنامه به‌صورت مستقیم و غیرفعال ارائه می‌گردد و زمانی نیز برنامه درسی مسأله محور، مورد توجه است، در برنامه درسی به شیوه تلفیقی نیز، ممکن است برنامه به‌صورت ارائه مستقیم اطلاعات توسط معلم و منابع آموزشی صورت گیرد یا به شکل مسأله محور، براساس فعالیت دانش‌آموز باشد. جان دیویی که نظریه تعلیم و تربیت خود را بر محور پژوهش و حل مسأله استوار کرده [۱۴] معتقد است: چون نمی‌توان وضعیت‌های آینده و مشکل‌های آن را پیش‌بینی کرد، عرضه کردن راه حلی کلی نیز ناممکن است. باید توانایی حل مشکل را در شاگرد پرورانیم. حتی، دادن اطلاعات آنگاه سودمند است که برای حل مسأله‌ای به آن نیاز باشد [۱۵].

**– اصل هفتم: الگوی تلفیق برنامه درسی باید ترکیبی از برنامه‌های درسی محتوا مدار و فرایند مدار باشد (به عبارت دیگر، برنامه درسی تلفیقی باید به تلفیق حول مضامین دانشی و تلفیق حول مضامین فرایندی، هر دو، توجه داشته باشد).** برنامه درسی محتوا محور (Content-Based)، بر روی مفاهیم، مسایل و موضوعاتی متمرکز است که در فهم موقعیت‌های خاص به کار می‌روند. برنامه درسی فرایند محور، متمرکز بر مهارت‌ها و راهبردهای عمومی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا موقعیت‌های مختلف را بفهمند و مسایل را حل کنند. در الگوی تلفیق باید به هر دو توجه شود. زیرا همان‌طور که هیلدا تابا (Hilda Taba) اظهار می‌دارد: یادگیری اهداف متعدد دارد، از جمله یادگیری محتوا و یادگیری رفتارهای پیچیده در افکار، نگرش‌ها و مهارت‌ها. این هدف‌ها

ارکان الگوی مورد نظر، توجه به رهنمودهایی که فولن (Fullan, M.) در مورد تغییرات آموزشی ارائه می‌کند مناسب به نظر می‌رسد. چرا که تلفیق به‌عنوان یک نوع تغییر و نوآوری در برنامه درسی است. در زیر، به برخی از نکاتی که در اجرای تغییر (در این جا تلفیق برنامه درسی)، توجه بدان لازم است به اختصار اشاره می‌شود:

– برای تغییر برنامه، باید طراحان و مجریان تبادل نظر کنند.

– هر تغییر اندکی ابهام، ناهماهنگی و عدم اطمینان برای افراد به همراه دارد. اجرای مؤثر برنامه موجب صراحت بخشیدن به ابهامات است.

– در تغییر موفقیت‌آمیز، تعارض امری اساسی و اجتناب‌ناپذیر است. یک افت اجرایی (Implementation Dip) در مراحل اولیه تغییر وجود دارد. این افت مقطعی مقدمه موفقیت است. اجرای بی‌دردسر تغییر علامت این است که واقعاً تغییر زیادی صورت نگرفته است.

– از دلایلی که موجب می‌شود افراد تمایلی به اجرای تغییر نداشته باشند، مخالفت با تغییر و ارزش‌های آن، کافی نبودن منابع برای حمایت طرح اجرایی و نیز فقدان زمان لازم برای اجرای تغییر است.

– نباید انتظار داشت که همه یا اکثر افراد با جریان تغییر همراهی کنند. پیچیدگی فرایند به‌گونه‌ای است که اصلاح گسترده در یک نظام اجتماعی وسیع غیرممکن می‌گردد. تغییر فرایندی، تدریجی و گام به گام است که در طی اجرای برنامه تعداد افرادی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند اضافه می‌شود. تغییر به یک برنامه‌ریزی تحولی و تکامل‌یابنده (Revolutionary Planning) نیاز دارد.

– دستور کار واقعی هر نوآوری، تغییر فرهنگ و روابط و ضوابط تثبیت شده در یک نهاد یا مؤسسه است. هر نوآوری آموزشی به یک تغییر فرهنگی نیاز دارد. اجرای موفق نوآوری مستلزم قوانین و مقررات لازم و نگرش مثبت به تغییر است [۲۱].

بدین ترتیب، به‌منظور اجرای الگوی مورد نظر، توجه به موقعیت و بستر موجود برای انجام تلفیق حائز اهمیت

– **رکن دوم: تلفیق از درون (شخصی):** همان‌طور که در اصل سوم بیان شد، تلفیق از درون خودجوش و توسط دانش‌آموز صورت می‌گیرد. این رکن از الگو بر این فرض استوار است که همان‌گونه که بخش‌هایی از برنامه درسی توسط برنامه ریزان درسی برای تحقق امر تلفیق به شیوه‌های مختلف طراحی می‌شود، باید بخشی از برنامه نیز، برای تأمین تلفیق از درون باز و آزاد گذاشته شود تا دانش‌آموزان، خود به طراحی برنامه و تدوین و تنظیم فعالیت‌های مورد علاقه شان در مدرسه بپردازند.

– **رکن سوم: تلفیق از بیرون در قالب ساختار رشته‌ای:** در این الگوی پیشنهادی هر چند اولویت با رکن اول یعنی تلفیق میان رشته‌ای است، لکن شیوه سنتی و متداول نیز کاملاً نفی نمی‌شود و آن قسمت از محتوا که در قالب رکن اول نمی‌گنجد به‌صورت رشته و موضوعات مجزا آورده می‌شود و چارچوب هر رشته و هویت خاص آن حفظ می‌شود. بدین ترتیب، تلفیق درون رشته‌ای و یا تلفیق در بین رشته‌ها و مواد درسی مختلف به شکل‌های گوناگون صورت می‌گیرد. همچون رویکرد رشته‌های موازی (Parallel Disciplines) که در آن هویت مواد و موضوعات درسی به‌طور مستقل باقی می‌ماند، اما مواد درسی مختلف که دارای نوعی همپوشی محتوایی هستند، به‌طور هم‌زمان، در برنامه درسی قرار می‌گیرند [۱۹]. همچنین، مواد درسی دارای قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند در خدمت هدف‌های سایر دروس درآیند. یعنی، به‌عنوان یک وظیفه و کارکرد ثانوی (Secondary Function) به تحقق هدف‌های دروس دیگر کمک کنند. به‌طور مثال، از ظرفیت طبیعی درس‌های ادبیات، علوم، هنر و تاریخ برای تحقق هدف‌های درس دینی استفاده می‌شود. به این امر، کارکرد تقویت‌کنندگی (Reinforcing Function) مواد درسی نیز اطلاق می‌شود [۲۰].

### مراحل اجرایی و برنامه زمان‌بندی الگوی پیشنهادی تلفیق برنامه درسی

منظور از مراحل اجرایی، چگونگی و ترتیب اجرای ارکان الگوی پیشنهادی است. قبل از پرداختن به مراحل اجرای

است. با توجه به واقعیت‌های نظام آموزشی، تغییر (در این جا، تلفیق برنامه درسی) باید به شکل تدریجی و محدود شروع شود. مؤید این مطلب تحقیقی است که توسط هالباخ (Halbach, A.) در آوریل ۲۰۰۰ انجام شده و برنامه درسی میان رشته‌ای، در یک مدرسه راهنمایی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. در این مدرسه، معلمان تلفیق برنامه درسی را با حداقل حرکت (تغییر)، از آموزش رشته محور (موضوع مجزا) شروع می‌کنند [۲۲].

براین اساس، حرکت از حداقل تلفیق آغاز می‌شود و گام اول، اجرای رکن سوم الگو، یعنی، تلفیق با حفظ ساختار رشته‌ای است. در واقع در برنامه درسی موجود، تغییر کمی صورت می‌گیرد. رشته‌ها و مواد درسی به همان صورت سنتی باقی می‌ماند، فقط در مواردی که دروس دارای محتوای مشترک هستند با هم تلفیق می‌شوند. گام دوم، اجرای رکن دوم الگو، یعنی تلفیق از درون (شخصی) است. این بخش می‌تواند در دل بخش سنتی و متداول برنامه درسی نیز قرار گیرد، به این معنا که با وجود برنامه درسی سنتی، قسمتی از برنامه به اختیار دانش‌آموز باشد تا خود به تدوین آن بپردازد. گام سوم، اجرای رکن اول الگو، یعنی تلفیق میان رشته‌ای است که در آن مرزبندی‌های رشته‌ای و موضوعی کنار گذاشته می‌شود و ساختار سنتی برنامه، به طور کامل تغییر می‌کند و این شکل تغییر که تغییری کلی است، با وضع موجود برنامه درسی که به صورت سنتی است، بسیار متفاوت است و آمادگی‌های لازم و شرایط و امکانات ویژه‌ای را می‌طلبد. به عبارت دیگر، اجرای این الگو، مستلزم گذر زمان و زمینه‌سازی‌های لازم است، به همین دلیل در مرحله پایانی برنامه قرار می‌گیرد.

### جایگاه تلفیق در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران

در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، تا سال‌های اخیر، برنامه درسی معنا و جایگاه خاصی نداشته و تشکیلاتی تحت عنوان «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» به تهیه کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی می‌پرداخته است. اما، در سال‌های اخیر، در برخی پایه‌های تحصیلی

اقدام به تهیه راهنمای برنامه درسی شده است. راهنمای برنامه درسی دوره ابتدایی منجر به تهیه کتاب درسی و کتاب کار برای دانش‌آموزان و نیز، کتاب راهنمای معلم برای آموزگاران دوره ابتدایی می‌شود. به منظور تبیین جایگاه تلفیق، در برنامه درسی دوره ابتدایی، راهنمای برنامه درسی این دوره مورد بررسی قرار گرفته و به روش تحلیل محتوا براساس الگوی مورد نظر، به دو صورت عمل شده است: در یک شکل آن اشاراتی مدنظر است که به طور ضمنی در اهداف و روش‌ها، ملازم و نزدیک به برداشت‌های اندیشه تلفیق برنامه درسی است و در شکل دوم، اشارات مستقیم و قابلیت‌هایی است که راهنمای برنامه درسی، در ارتباط با تلفیق برنامه دارد. از بررسی‌های به عمل آمده این نتایج به دست آمد: به طور کلی، برنامه درسی دوره ابتدایی در قالب مواد درسی مستقل و مجزا طراحی شده و در داخل مرزبندی رشته‌ای و موضوعی محصور است. بنابراین شکل غالب در سازمان‌دهی محتوا، رکن سوم الگو، یعنی تلفیق با حفظ ساختار رشته‌ای است و تلفیق در این جا، به صورت تقویت‌کنندگی است. به عنوان مثال، ماده درسی زبان‌آموزی (فارسی)، اهداف دروس دیگر را تقویت نموده و این به عنوان کارکرد ثانوی ماده درسی فارسی (زبان‌آموزی) شناخته می‌شود. از جمله، درس فارسی به تقویت مهارت‌های اجتماعی که جزو اهداف اصلی درس مطالعات اجتماعی است نیز مدد می‌رساند. در یکی از اصول آن آمده است: کتاب (فارسی) باید بتواند زمینه‌ساز تقویت مهارت‌های زندگی، در کودکان باشد [۲۳]. از جمله اهداف یکی از دروس فارسی، تقویت روحیه مشارکت در انجام کارها، آشنایی با مقررات عبور و مرور، یادگرفتن احوال‌پرسی و خداحافظی است [۲۴]. در دروس دیگر از جمله در درس علوم، رویکرد رشته‌های وسیع (Broad Field) در تلفیق برنامه درسی غالب است. زیرا چهار زمینه علوم، یعنی بهداشت، زمین، زیست و فیزیک، در کنار یکدیگر، موضوعات و عناوین مختلف یک ماده درسی را پوشش می‌دهند و به صورت درس‌های جداگانه‌ای در یک کتاب درسی (علوم تجربی) آمده‌اند. در برنامه درسی دینی، فعالیت‌های هنری درون ماده درسی دینی در جهت

تنها در برنامه درسی زبان‌آموزی، به صورت یک درس نانوشته (سفید) در برنامه پیش‌بینی شده است که توسط معلم و دانش‌آموزان طراحی و تدوین شود. رکن سوم، یعنی تلفیق از بیرون در قالب ساختار رشته‌ای در بیش‌تر برنامه‌های درسی به‌طور کم و بیش متفاوت دیده شد. این امر، مؤید حرکت تدریجی و تکاملی تلفیق در برنامه درسی است.

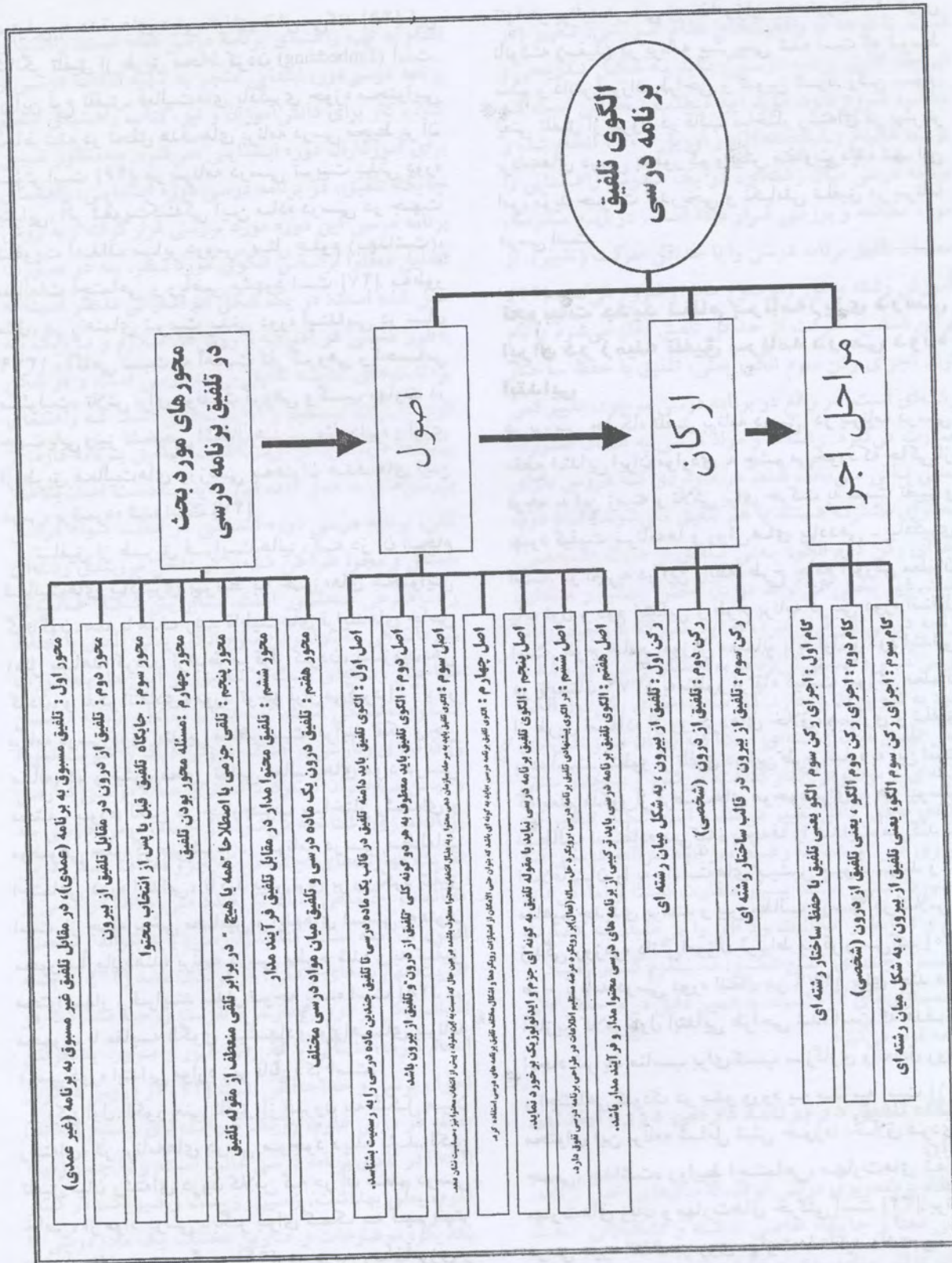
### تجربیات جدید نظام برنامه‌ریزی درسی ایران در زمینه تلفیق برنامه درسی دوره ابتدایی

در بررسی جایگاه تلفیق برنامه درسی، در برنامه درسی مقطع ابتدایی ایران مواردی به چشم می‌خورد که حاکی از توجه به این زمینه و تلاش برای حرکت به سمت تغییر و بهبود کیفیت برنامه‌ها و روش‌های یاددهی - یادگیری است. دو تجربه در این رابطه، طرح جامع آموزش معلمان پایه اول و دوم ابتدایی و طرح برنامه درسی دوره انتقال است. طرح جامع آموزش معلمان پایه اول و دوم ابتدایی در تابستان ۱۳۷۹ به منظور ارتقاء کیفیت آموزش معلمان از طریق استفاده از رویکردهای خلاق، همیاری و تلفیق بوده است. منظور از تلفیق در این طرح اشاره به این است که معلم مذکور از فرصت‌های موجود برای به هم پیوستن مطالب استفاده می‌کند، بچه‌ها را هدایت می‌کند تا اطلاعاتشان را به دانسته‌های پیشین پیوند بزنند و به مفاهیم جدیدی برسند و بین مطالب درسی در کلاس و زندگی روزمره دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کند [۳۰]. طرح برنامه درسی دوره انتقال در ۱۳۷۹ برای چند هفته آغازین کلاس اول ابتدایی طراحی شده است که هدف آن ایجاد شرایط مناسب برای کسب سازگاری و تعادل روانی و اجتماعی کودک در بدو ورود به مدرسه است [۳۱]. محتوای این برنامه شامل شش حوزه؛ اخلاق فردی و جمعی، بهداشت، روابط اجتماعی، مهارت‌های تفکر، مهارت‌های زبان و مهارت‌های حرکتی است [۳۲]. برنامه درسی دوره انتقال بر روی مهارت‌ها تأکید داشته و مبین تلفیق فرایند مدار است.

دستیابی به هدف‌های دینی، ایفای نقش می‌کند [۲۵]. این نشانگر تلفیق از طریق محاط کردن (Embedding) است. در این نوع تلفیق، فعالیت‌های یادگیری حوزه محتوایی محاط شده در تحقق هدف‌های برنامه درسی محیط بر آن مؤثر است [۲۶]. در برنامه درسی تربیت بدنی دوره ابتدایی، اثر تقویت‌کنندگی این ماده درسی در جهت تقویت اهداف سایر دروس، مثل علوم (بهداشت)، مطالعات اجتماعی و ریاضی مشهود است [۲۷]. به‌طور مثال، در راهنمای تربیت بدنی دوره ابتدایی در سال ۱۳۷۹، آگاهی نسبت به اهمیت کار گروهی و احساس مسئولیت، تلاش برای موفقیت گروهی و کسب مهارت در جهت‌یابی و نیز تشخیص اشکال هندسی مثل دایره و لوزی از طریق فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان هدف‌های این درس، برشمرده شده است [۲۷].

تلفیق از طریق فرایند‌ها نیز، که در آن انجام فعالیت‌های یادگیری مرتبط با حوزه‌های محتوایی گوناگون، همه با هدف رشد قابلیت‌های فرایندهای خاص (مثل مشاهده کردن، ارتباط برقرار کردن، سازمان‌دهی کردن، و تفکر انتقادی) مورد توجه قرار می‌گیرد [۲۶]، در برنامه درسی دوره ابتدایی مدنظر است. فرایند تفکر و حل مسئله، کم و بیش، محور تمامی فعالیت‌های مواد درسی مختلف بوده، لکن در چارچوب ساختار رشته‌ای و موضوعی جلوه‌گر می‌شود. در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، تأکید بیش‌تری بر رویکرد تلفیق است. از جمله برخی مضامین و ایده‌های اساسی به‌عنوان محور سازمان‌دهنده برنامه درسی مطرح شده و به تلفیق محتوا مدار و فرایند مدار توجه شده است [۲۸]. در مجموع، با مقایسه الگوی پیشنهادی و راهنمای برنامه درسی دوره ابتدایی موارد زیر قابل ذکر است:

رکن اول الگو، یعنی تلفیق از بیرون به شکل میان رشته‌ای، در برنامه‌های درسی موجود دیده نشد. لکن تلفیق میان رشته‌ای درون کلاس که در آن معلم درسی خاص، از مواد درسی دیگر برای کمک به فهم بهتر دانش‌آموزان بهره می‌گیرد [۲۹]، در درس زبان‌آموزی و مطالعات اجتماعی مشاهده شد. رکن دوم الگو، یعنی تلفیق از درون (شخصی) که برنامه درسی غیرتجویزی است،





## نتیجه‌گیری

الگوی برنامه درسی تلفیقی مشتمل بر اصول، ارکان و مراحل اجرا ارایه گردید. در این الگوی پیشنهادی سعی بر آن بوده است تا دیدگاه جامعی نسبت به تلفیق برنامه درسی با تکیه بر منابع موجود و نظر متخصصان این حوزه ارایه گردد. این دیدگاه‌ها در اصولی که بیان گردید آمده است. ارکان الگو نیز، اجرای عمده الگو و بخش‌های مختلف طرح برنامه درسی است که شامل سه بخش بوده و به ترتیب، وضعیت مطلوب شکل‌گیری برنامه درسی تلفیقی را نشان می‌دهد. مراحل اجرای الگو، با توجه به رهنمودهایی که فولن در مورد تغییر و نوآوری در آموزش و پرورش عرضه می‌دارد، منطبق با واقعیت و متناسب با بستر واقعی ساختار نظام آموزشی (سنتی) به صورت یک روند تدریجی و محدود پیشنهاد شده است.

به منظور به کارگیری یافته‌های این پژوهش در نظام برنامه‌ریزی درسی کشور، مطالعه وضعیت موجود در برنامه‌های درسی کشور از نظر میزان تلفیقی که در آن وجود دارد مفید خواهد بود. لذا، به عنوان نمونه، بررسی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات به دست آمده نشان داد که به علت موضوع محور بودن برنامه درسی دوره ابتدایی و وجود کتاب‌های درسی مستقل و مجزا برای هر درس (در قالب راهنمای برنامه درسی) و عدم ارتباط و پیوند محتوای دروس مختلف با یکدیگر، تلفیق برنامه درسی در این دوره جایگاه مشخص و روشنی ندارد و برنامه‌های درسی، تنها در موارد محدود و در سطح نازلی جهت‌گیری تلفیقی داشته‌اند که با الگوی مورد نظر فاصله زیادی دارد.

دو تجربه جدید در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی، بیش تر معطوف به روش‌های تدریس معلم بوده و هدف آن آشنا ساختن معلمان با روش‌های نوین تدریس و تحول در شیوه‌های آموزش سنتی است. این اقدامات در جای خود ارزشمند بوده و به تدریج، اذهان معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را با مفاهیم و روش‌های نوین در تعلیم و تربیت کودکان آشنا می‌سازد و می‌تواند مقدمه‌ای برای بسترسازی فرهنگی در زمینه ورود به بحث‌های تغییر و تحولات اساسی تر در برنامه‌های درسی به‌ویژه تلفیق برنامه درسی فراهم نماید.

## منابع

1. Drake, S.M. (1993) Planning Integrated Curriculum, The Call to Adventure. ASCD.
2. Lake, K. (2001) Integrated Curriculum. SIRS.
3. احمدی، پروین (۱۳۸۰) طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی و مقایسه آن با برنامه‌های درسی دوره ابتدایی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
4. الگو (مدل) عبارت است از: اطلاعات، داده‌ها یا اصولی که در اشکال کلامی، تصویری (و گاه به صورت ریاضی) دسته‌بندی شده‌اند تا شیء، عقیده و وضعیت یا پدیده معینی را معرفی یا توصیف نمایند؛ به عبارت دیگر، الگو، ماهیت و عصاره دانش و تفکر یک متخصص است که به صورت واضح و مختصر بیان شده است. (بولا، اس. (۱۳۶۷) ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی برای توسعه. ترجمه ایلی، مؤسسه آموزش بزرگسالان، ص ۱۸.
5. الگوی برنامه درسی تلفیقی عبارت است از تجلی‌های کلامی، نموداری و یا تصویری اصول، ارکان و چارچوب‌هایی که برنامه‌ریز درسی برای تلفیق برنامه‌های درسی مهم و ضروری می‌داند. به عبارت روشن‌تر، الگوی برنامه درسی تلفیقی، نقطه‌نظرها و رهنمودهای ارایه شده توسط یک فرد متخصص (برنامه‌ریز درسی) برای سازمان‌دهی مطلوب و موفقیت‌آمیز محتوای برنامه‌های درسی تلفیقی است.
6. منظور از اصول، پایه‌ها و بنیان‌هایی است که الگوی مورد نظر بر آن نهاده شده است.
7. منظور از ارکان، اجزاء عمده الگوی مورد نظر است.
8. Jacobs, H.H. (1989) Interdisciplinary curriculum: Design and Implementation. Alexandria, Va: ASCD.
9. Fogarty, R. (1991) Ten Ways to Integrated Curriculum. Educational leadership. 49,2:61-65.
10. Glathorn, A.A. (1994) Developing A Quality Curriculum. ASCD.
11. Findely, N.J. (2000) Making Connections: A Case Study of fifth Grade Learning From Two Different organization of Curriculum Integration. Dissertation. Bell & Howell Information and Learning company.
12. Davis Jr, O.L. (1997) The Personal Nature of Curricular Integration. Journal of Curriculum and Sopervision. Winter, 12,2:95-97.
13. Bean, J.A. (1997) Curriculum Integration, Designing the Core of Democratic Education. New York: Teachers College, Colombia University.
14. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۴) بررسی ابعاد نظری و عملی تعلیم و تربیت سؤال محور، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۳-۷۶.
15. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۴) نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات طهوری، چاپ ششم.

- و تألیف کتب درسی.
26. Hunter, R. and Scheirer, E.A. (1988) *The Organic Curriculum*. The Falmer Press.
27. راهنمای برنامه درسی تربیت بدنی (۱۳۷۹) دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتب درسی.
28. راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی (۱۳۷۶) دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتب درسی.
29. Martin-kniep, G.O. and others (1995) *Curriculum Integration: An Expanded View of an Abused Idea*. *Journal of Curriculum and Supervision*, 10/3:227-249.
30. فتح‌اله‌پور، میترا (۱۳۸۰) بررسی میزان تأثیر به‌کارگیری رویکردهای خلاق، همیاری و تلفیق در آموزش ابتدایی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، صص ۸۵-۸۶.
31. اوحدی، محمود (۱۳۸۰) اجرای آزمایشی برنامه درسی دوره انتقال پایه اول ابتدایی، سال تحصیلی ۷۹-۸۰. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
32. احمدی، آمنه و همکاران (۱۳۸۰) کتاب معلم (راهنمای تدریس): آموزش و پرورش در دوره انتقال (پایه اول دبستان). دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
16. Nielsen, M.E. (1989) *Integrated Learning for young children: A Thematic Approach*. *Educational Horizons*. Fall, 19-24.
17. Erickson, H.L. (1995) *Stringing the Head, Heart and soul: Redefining Curriculum and Instruction*. Corwin Press.
18. Jacobs, H.H. (1997) *Mapping the Big Picture: Integrating Curriculum and Assessment K-12*. ASCD.
19. Jacobs, H.H. (1989) *Interdisciplinary curriculum Options: A Case for Multiple Configurations*. *Educational Horizons*.
20. Wrag, E.C. (1997) *The Cubic Curriculum*. Routledge Press.
21. Fullan, M. (1991) *The Meaning of Educational change*. Toronto: OISE. Press.
22. Hlbach, A. (2000) *Promise and Practice of Curriculum Integration in A Middle School*. Dissertation. The University of Wisconsin - Milwaukee.
23. راهنمای برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدایی (۱۳۷۸) دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. شهرپور، ص ۱۵.
24. همان منبع شماره ۲۳، ص ۵۶.
25. راهنمای برنامه درسی دینی دوره ابتدایی (۱۳۷۸) دفتر برنامه‌ریزی

